





مطرح شده در فصل حاضر، این است که چون جمهوری اسلامی، استراتژی کنترل خلیج فارس را دست نیافتنی می‌دید، استراتژی بازدارندگی و ممانعت را در پیش گرفت؛ زیرا معتقد بود این استراتژی جدید در حمایت از موقعیت استراتژیک ایران موثرتر خواهد بود.

این فصل برای نشان دادن گرایش ایران به استراتژی جدید خود، به

مواجه شد. از میان نیروهای مسلح شاه، فقط ارتش در سرکوب مردم نقش داشت که همین امر باعث پاکسازی ارتش و جذب نیروهای جدید در آن پس از انقلاب ۱۹۷۹ شد.

در پی ناآرامی‌های ایران، جیمی کارتر، کاندیدای ریاست جمهوری، پیشنهاد کرد آمریکا به سیاست دولت آیزنهاور در قبال دولت ایران که همان فروش سلاح در برابر انجام اصلاحات سیاسی بود، برگردد. این پیشنهاد در عمل باعث نگرانی شاه و جرات یافتن مخالفان شد. در نتیجه، شاه برنامه محدود آزادی‌های سیاسی را در اوایل سال ۱۹۷۷ اجرا کرد. اما بعد از انتخابات آمریکا، دولت جدید کارتر به شعارهای خود پشت کرد و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران طبق روال گذشته ادامه یافت. اصلاحات محدود شاه و عدم پایبندی آمریکا به وعده‌هایش در خصوص پیشبرد حقوق بشر در ایران از مهم‌ترین عناصر تشدیدکننده مخالفت در این کشور بود.

صبح روز ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در یک تجمع مذهبی در میدان ژاله تهران جمع شدند. سربازان به جمعیت دستور دادند متفرق شوند و

بررسی تحولات استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس در طی جنگ ایران و عراق می‌پردازد و بر تجربه موفقیت‌آمیز ایران در این خصوص در "جنگ نفتکش‌ها" در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۴ و عملکرد ضعیف نیروی دریایی آن در نبرد ناوچه‌ها" در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ تمرکز می‌کند. با توجه به اهمیت بالای این دو موضوع اخیر، بعد از یک مقدمه کوتاه در مورد استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس در طی جنگ ایران و عراق، به آنها پرداخته خواهد شد.

### بازسازی نیروی دریایی ایران:

بازسازی سریع نظامی ایران در اواسط دهه ۱۹۷۰ باعث فساد و ریخت‌وپاش زیادی شد و همچنین دهها هزار شهروند آمریکایی را به ایران کشاند تا به عنوان تکنیسین و مشاور نیروهای مسلح ایران به فعالیت پردازند. این عوامل به همراه نابرابری‌های روزافزون، مشکلات اقتصادی و فقدان فرصت‌های واقعی برای مشارکت‌های سیاسی باعث بروز ناآرامی‌های سیاسی فزاینده در اواخر دهه ۱۹۷۰ شد که با سرکوب خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی شاه

قومی و مذهبی و بیگانگان) بهترین بهره را بردند. علاوه بر این، آنها با استفاده از نیروی ارتش و سپاه پاسداران به سرعت ساختار قدرت خود را در ایران شکل دادند.

[امام] خمینی (ره) به خوبی آگاه بود که بدون بهره‌گیری از نیروهای مسلح، چپ‌گراها و اقلیت‌های قومی جدایی طلب انقلاب را تهدید خواهند کرد. ایشان به اهمیت نیروهای نظامی، به ویژه ارتش، به عنوان «کلید موفقیت انقلاب» واقف بود.<sup>(۳)</sup>

بعد از پیروزی انقلاب، افراد تندرو افراطی، خواهان امتیازاتی فراتر از پیش‌بینی‌های ایشان شدند. «پاکسازی نیروهای مسلح... به صورت محدود با تمرکز بر عناصر فاسد» از جمله اولین طرح‌های [امام] خمینی (ره) بود.<sup>(۳)</sup> اما افراد تدریجی که خود ایشان در کمیته انقلاب

منسوب کرده بودند و مسولیت پاکسازی نیروها را بر عهده داشتند، دنبال تسویه حساب‌های قبلی بودند.

از آنجا که نیروی زمینی ارتش شاه در سرکوبی مردم فعال تر بود، به هنگام پاکسازی نیز تعداد زیادی از نیروهای آن کنار گذاشته شدند. در یک نشست مطبوعاتی در ۳ آوریل ۱۹۷۹، امیر انتظام، معاون نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد: «افسران ارتش (که هنوز اعدام نشده بودند) از درجه سرهنگ به بالاتر بازنشسته خواهند شد.»<sup>(۴)</sup> شش ماه پس از آغاز انقلاب، نیروهای مسلح

زمانی که با امتناع آنها مواجه شدند، مستقیماً به روی آنها آتش گشودند که صدها نفر کشته شدند. این رویداد که در ایران پس از انقلاب با نام «کشتار میدان ژاله» یا «جمعه سیاه» از آن یاد می‌شود، به عنوان انگیزه اصلی انقلاب عمل کرد و گروه‌های مختلف مخالفان را گرد هم آورد و انقلاب ایران از همین جا شروع شد.<sup>(۴)</sup>

در روزهای آغازین شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ارتش ایران با نهایت سرعت در حال پیشرفت بود. نیروهای نظامی ایران بزرگ‌ترین نیرو در منطقه خلیج فارس و به جز اسرائیل، مدرن‌ترین نیرو در خاورمیانه محسوب می‌شدند. شاه، ۵۱۱۰۰۰ نفر پرسنل نظامی را به عنوان تضمینی برای تأمین امنیت مرکز ثقل استراتژیک ایران تدارک دیده بود. قبل از تلاش شاه برای افزایش قدرت و سیطره دریایی ایران، نیروی دریایی و هوایی این کشور از مجموعه‌ای از قایق‌های فرسوده گشت ساحلی و جنگنده‌های قدیمی تشکیل شده بود که پس از اجرای استراتژی مورد نظر شاه به یک نیروی پیشرفته تبدیل شد تا کنترل ایران بر خلیج فارس و مناطق اطراف آن را تضمین نماید و همچنین بتواند عامل بازدارنده‌ای در برابر مهم‌ترین تهدید علیه ایران از طریق خشکی، یعنی عراق باشد.

### بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از نیروی نظامی

در ایران، نظام جمهوری اسلامی که ائتلافی از گروه‌های سیاسی مخالف شاه بود، در حال تثبیت قدرت خود بود. در واقع، انقلاب ایران بخش عمده‌ای از موفقیت خود را مدیون بهره‌گیری موثر از نیروی نظامی شاه و تلفیق آن در بستر قدرت خود بود. کنترل ماهرانه نیروهای نظامی که تجربه قدرت را داشتند، جمهوری اسلامی را از کسب و حفظ قدرت مطمئن می‌کرد. آنها از ارتش برای سرکوب تهدیدات پیش رو (مخالفان سیاسی، اقلیت‌های

هوایی و فرماندهان ارتش برای ربودن جنگنده‌های F-4 و F-5 در پایگاه هوایی شاهرخی در غرب استان همدان بدتر نیز شد. قرار بود هواپیماها در صورت موفقیت کودتا، یک سری اهداف از پیش تعیین شده از جمله محل سکونت [امام] خمینی (ره) در تهران را بمباران کنند. شکست کودتا به پاکسازی‌های گسترده در نیروی هوایی منجر شد. شورای انقلاب بیش از ۳۰۰ تن از فرماندهان نیروی هوایی و ارتش را در رابطه با این کودتا دستگیر و سرانجام اعدام کرد. نیروی هوایی ایران تا اواسط دهه ۱۹۹۰، از فقدان نیروهای زنده‌ای که پاکسازی شده بودند، رنج می‌برد.<sup>(۷)</sup>

امام خمینی (ره) برای تقویت روحیه نیروهای مسلح، دستور توقف دستگیری و اعدام کادر نیروهای مسلح را به دادگاه‌های انقلاب داد. وی در این دستور که در ۸ سپتامبر ۱۹۸۰ صادر شد، اعلام کردند که اتهامات وارد شده به کادر نیروهای نظامی باید پوشیده نگه داشته شوند تا صحت آنها اثبات شود.<sup>(۸)</sup>

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، دو هفته پس از توقف روند پاکسازی نیروهای مسلح، عراق به ایران حمله کرد. مقاومت‌های اولیه ایرانیان در برابر نیروهای صدام بسیار ضعیف و از هم گسیخته بود. استراتژی شاه در جنگ با عراق بر برتری هوایی علیه نیروی هوایی این کشور و پشتیبانی زمین به هوای نیروی زمینی و نیروی دریایی ایران استوار بود. ناوگان هوایی ناکارآمد ایران و سلاح‌های فرسوده‌ای که شاه میلیاردها دلار صرف آنها کرده بود، نتوانستند از پیشروی سربازان عراقی جلوگیری کنند. تعداد خلبانان نیروی هوایی ایران اندک و مهارت آنها در پرواز بسیار پایین‌تر از خلبانان قبل از انقلاب بود. تکنیسین‌های آمریکایی که روزهای قبل از سقوط شاه ایران را ترک کردند، اسناد مربوط به سیاهه اموال را از بین برده بودند، تجهیزات الکترونیکی جنگنده‌های جدید F-14 را خارج کرده بودند و

ایران که در حدود نیم میلیون نفر بود، به کمتر از ۳۰۰۰۰۰ نفر کاهش یافت. ارتش، ۹۰ درصد از نیروهای سابق خود را همچنان در اختیار داشت اما اکثر فرماندهان ارشد، ارتش را ترک کرده بودند. با عدم حضور تکنیسین‌های آمریکایی برای نگهداری تجهیزات خریداری شده از آمریکا، نیروهای نظامی ایران با آشفتگی، آمادگی رزمی پایین و ضعف روحیه مواجه شدند. نیروی هوایی تقریباً زمین‌گیر شد و در نیروی دریایی نیز سربازان که ادعای برابری داشتند و می‌خواستند فرماندهان مافوق نیز همانند آنها در کارهای

دشوار فیزیکی همراه آنها باشند.<sup>(۹)</sup>

در اواخر سال ۱۹۷۹، نیروهای مسلح ایران در آستانه فروپاشی بود. گزارش وزارت دفاع آمریکا در نوامبر ۱۹۷۹ حاکی از این است که: «نیروهای مسلح ایران دیگر از کارایی لازم برخوردار نیستند.» این گزارش با اشاره به فهرست

اخراج‌ها و بازنشستگی‌های اجباری از عدم وجود نظم و ترتیب لازم خبر می‌دهد. در غیاب تکنیسین‌های آمریکایی، سیستم‌های لجستیک ایران (که غالباً متکی بر تکنولوژی بودند)، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران (IIAF) و نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران (IIN) به تدریج تحلیل رفتند.<sup>(۱۰)</sup>

### فروپاشی نیروهای کنترل خلیج فارس در ایران

در جولای ۱۹۸۰، وضعیت نیروی هوایی ایران بعد از یک کودتای نافرجام از سوی برخی خلبانان نیروی

استراتژی شاه  
در جنگ با عراق بر برتری  
هوایی علیه نیروی هوایی  
این کشور و پشتیبانی  
زمین به هوای نیروی زمینی و  
نیروی دریایی ایران  
استوار بود

انگلستان، هلند و ایتالیا بودند. نیروگاه‌های کشتی‌های جنگی و کشتی‌های پشتیبانی نیز به محصولات تولیدکنندگان متعدد از جمله توربین‌های بخار آمریکایی، توربین‌های گازی انگلیسی و دیزل‌های ساخت MTU-MAN (آلمان)، Paxman (انگلستان) و Morse-Fairbanks (آمریکا) مجهز بودند.

اگر چه پاکسازی پرسنل نیروی دریایی نسبت به نیروی هوایی و ارتش از گستردگی کمتری برخوردار بود، اما تأثیرگذار بود. فقط در یک روز ۷ فوریه سال ۱۹۸۰، تعداد زیادی از دریاداران و فرماندهان ارشد نیروی دریایی ایران به طور اجباری بازنشسته شدند. این تغییرات گسترده در نهادهای نیروی دریایی ایران و فروپاشی زیرساخت‌های پشتیبانی باعث تشدید وخامت وضعیت این نیرو شد. در نتیجه، در زمان حمله عراق به ایران، نیروی دریایی ایران که بیش از یک سال را بدون تأمین قطعات یدکی، یا تعمیرات حیاتی به سر برده بود، یک سرمایه هدر رفته به شمار می‌رفت. بیشتر کشتی‌ها به دلیل مشکلات مکانیکی و کمبود مهارت‌های فنی لازم از رده خارج شده بودند. علاوه بر این، ایران می‌دانست که به علت عدم رابطه ایران با تأمین‌کنندگان غربی سلاح، مشکلات عملیاتی کشتی‌ها یا سیستم‌های آنها رفع شدنی نیست. رفع نواقص و خرابی تجهیزات غیرممکن بود و جایگزینی موشک‌های کروز و مهمات اصلی، میسر نبود.

### استراتژی جدید ایران در جنگ ایران-عراق

در سال ۱۹۸۰، جمهوری اسلامی نوا به خوبی از موقعیت استراتژیک ایران آگاه بود و به درستی به این نکته پی برده بود که با توجه به عدم برخورداری از سلاح‌های غربی و وخامت فراینده وضعیت نیروی دریایی ایران، استراتژی شاه مبنی بر کنترل خلیج فارس، دست کم در آینده نزدیک، دست یافتنی

مخازن قطعات یدکی را در بسیاری از پایگاه‌های هوایی منهدم کرده بودند. نتیجه این اقدامات این بود که نیروی هوایی ایران در حفظ و نگهداری هواپیماها و کارایی رزمی خود با مشکلات زیادی مواجه بود. در طول جنگ، ایران از جنگنده بمب‌افکن‌های خود به ندرت و فقط در مأموریت‌های استراتژیک بازدارنده استفاده می‌کرد.<sup>(۹)</sup>

وضعیت نیروی دریایی، بازوی دیگر شاه در اجرای استراتژی کنترل خلیج فارس، نیز چندان بهتر از نیروی هوایی نبود. بعد از پیروزی انقلاب، رهبران جمهوری اسلامی فوراً سفارشات مربوط به ناوشکن‌های بزرگ از کلاس کوروش<sup>۱</sup>، زیردریایی‌های نوع ۲۰۹ و دو فروند از چهار فروند کشتی LST کلاس هنگام<sup>۲</sup> را لغو کردند. همچنین حکومت ایران انتقال زیردریایی‌های کلاس تانگ<sup>۳</sup> را معلق و سپس ممنوع ساخت. ایران برقراری ارتباط نزدیک با ایالات متحده را رد کرد؛ وخامت روزافزون در روابط بین دو کشور با بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا به اوج خود رسید. در واکنش به این واقعه، سازمان ملل متحد ارسال تجهیزات نظامی به ایران را تحریم کرد. این تحریم شامل کشتی سوخت‌رسان "خارک"، ساختمان LSTs در یارو انگلستان و سه فروند قایق رزمی موشک‌انداز در شربورگ فرانسه نیز می‌شد.

علاوه بر لغو سفارشات قبلی، واکنش‌های غرب باعث شد منابع تأمین‌کننده مهمات و قطعات یدکی فوراً همکاری‌های خود را با ایران قطع کنند. شاه برای اینکه بتواند با صرفه‌ترین خرید را داشته باشد، با چندین فروشنده تسلیحات وارد معامله می‌شد. این امر باعث می‌شد که سلاح‌ها یک‌دست و استاندارد نباشند. برای مثال، کشتی‌های نیروی دریایی ایران به تفنگ‌های ۵ اینچی آمریکایی، ۴/۵ اینچی انگلیسی و ۷۵ میلیمتری ایتالیایی مجهز بودند و رادارهای مورد استفاده نیز ساخت آمریکا،

1. Koorush-class

2. Hengam-class

3. Tang-class

روی آورد و کشتی‌ها و منافع نفتی کشورهای را که از عراق پشتیبانی می‌کردند، مورد تهدید قرار داد. این کشورها که از این استراتژی ایران لطمه دیده بودند، عراق را برای توقف حملات خود علیه منابع نفتی ایران تحت فشار گذاشتند. اگر چه این استراتژی در نهایت به مداخله قدرت‌های خارجی و در راس آنها آمریکا، برای متوقف ساختن حملات ایران علیه کشتی‌ها انجامید، اما هنوز هم این استراتژی، استراتژی مهم جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس محسوب می‌شود.<sup>(۳)</sup>

در اواخر سال ۱۹۸۴، ایران در حال بازسازی ساختار و توان دریایی خود بود و در نظر داشت استراتژی بازدارنده دست‌یافتنی‌تری را در پیش بگیرد. این ساختار جدید که ایران از عهده آن بر می‌آمد، بر تشکیل نیروهای ویژه جنگی، از قبیل نیروی دریایی سپاه، زیردریایی‌های کوچک، موشک‌های کروز ضد کشتی ساحل‌پایه (ASCM)، امکانات گسترده مین‌گذاری، قایق‌های گشت مسلح به موشک‌های کروز و شبکه جدید دفاع هوایی در جنوب خلیج فارس تمرکز داشت. نقطه ضعف عمده نیروی دریایی متعارف شاه عدم مهارت در دفاع هوایی بود. این کمبود می‌بایست با غافلگیری زیردریایی‌ها، بالا بودن سرعت عملکرد، کوچکی اندازه و نحوه عملکرد قایق‌های گشت مجهز به موشک‌های کروز، امکانات روزافزون مین‌گذاری و استقرار سکوهاى ساحلى پرتاب موشک‌های کروز جبران می‌شد.

### جنگ نفتکش‌ها (۱۹۸۴-۱۹۸۸)

جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس یک رویداد تعیین‌کننده در تاریخ نیروی دریایی ایران است که بازتابی از استراتژی دریایی ایران یعنی همان استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس می‌باشد. مناقشه بین ایران و عراق در مراحل اولیه در خشکی جریان داشت و فقط چند واحد کوچک

نیست. جمهوری اسلامی می‌دانست که صرف هزینه‌های گزاف توسط شاه برای سلاح‌های مختلف جهت کنترل خلیج فارس نقش مهمی در سقوط او داشت.<sup>(۴)</sup> علاوه بر این، از آنجا که نیروی دریایی شاه فقط قادر به محافظت از منافع و موقعیت استراتژیک ایران در برابر بازیگران منطقه‌ای بود و تهدیدات بالقوه جدید پیش روی این کشور (ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه) از لحاظ توانایی کنترل دریا از برتری بسیار بالایی برخوردار بودند، لذا هر گونه رویارویی مستقیم با این نیروها به یک شکست غیرضروری منجر می‌شد.<sup>(۵)</sup>

سه سال بعد از حمله عراق، اکثر کشتی‌های ایران یا در بندر عباس دور از خطرنگه داشته شده بودند یا به لحاظ فنی غیر قابل استفاده بودند. نیروی هوایی به چالش کشیده نشده عراق، یک فروند قایق موشک‌انداز ایران را در نوامبر ۱۹۸۰ و دو فروند

رزم‌ناو ساخت آمریکا را در سال ۱۹۸۲ غرق کرد. با آغاز ماه می ۱۹۸۳، سه ماه بود که ایران در نیروی دریایی خود متحمل خسارات فراوان می‌شد (عراق جنگ نفتکش‌ها را به صورت جدی در ماه مارس ۱۹۸۴ آغاز کرده بود). بنابراین، شورای عالی امنیت ملی ایران به دنبال یافتن استراتژی جدیدی برای افزایش قدرت دریایی ایران و همچنین ساختار نیرویی بود که با صرف هزینه قابل‌تقبل، از موقعیت استراتژیک این کشور در حوزه دریایی حمایت کند.<sup>(۶)</sup> بنابراین، جمهوری اسلامی به استراتژی محدود ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس

صرف هزینه‌های گزاف  
توسط شاه برای سلاح‌های  
مختلف جهت کنترل خلیج  
فارس نقش مهمی در سقوط  
او داشت

اطلاعات مربوط به اهداف مورد نظر خود را از فرماندهی دریایی مستقر در بندرعباس دریافت می‌کرد. گروه مسئول هدف‌گیری نفتکش‌ها، اطلاعات خود را از منابع مختلف که شامل ایستگاههای مستقر شده توسط سپاه پاسداران در سکوهای نفتی، ایستگاههای رادار نیروی دریایی در سواحل اطراف تنگه



هرمز و اطلاعات گزارش شده از تهران (دریافت شده از طریق تلفن‌های میکرو ویو با تروپوسکاتر)، جمع‌آوری می‌کرد.<sup>(۶۷)</sup> در مراحل نهایی انتخاب اهداف، رسته سوم از مرکز دفاع هوایی نیروی هوایی ایران (که به یگان یکم نیروی دریایی و فرماندهی ناوگان ایران در خلیج فارس هم معروف بود)، هواپیماهای گشتی P-3F نیروی هوایی را برای شناسایی و تایید آخرین موقعیت اهداف مورد نظر به کار گرفت.<sup>(۶۸)</sup>

ایران برای اولین بار در ۱۳ ماه می ۱۹۸۴، با یک فروند هواپیمای F-4 در ۸۵ مایلی سواحل بحرین، نفتکش "ام کسبه" را که نفت خام کویت را حمل می‌کرد، با استفاده از یک موشک کروز ماوریک AGM-65 مورد حمله قرار داد. در ماه می چهار کشتی دیگر حامل نفت کویت نیز هدف حمله قرار گرفت. حمله دیگر در تاریخ ۱۰ ژوئن به پنجمین تانکر در مسیر کویت رخ داد. استفاده ایران از جنگنده‌های فانتوم (که تعداد کمی از آنها عملیاتی بودند)، نشان دهنده اهمیت موضوع از دید ایران می‌باشد. آسیب وارد شده به کشتی‌ها در اکثر موارد

دریایی نقش پشتیبانی اندکی در منطقه اطراف خرمشهر ایفا می‌کردند. در سال ۱۹۸۴، عراق متوجه شد ابتکار عمل در جنگ زمینی را از دست داده و تصمیم گرفت توجه خود را بر قدرت هوایی متمرکز نماید. عنصر اصلی استراتژی عراق حمله به مناطق استراتژیک ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود. به همین منظور، به تأسیسات نفتی حیاتی ایران در جزیره خارک حمله کرد که ۸۵ درصد از صادرات نفتی ایران از طریق نفتکش‌ها از این بندر انجام می‌شد. بندر خارک مهم‌ترین هدف جنگنده‌های میراژ F-1 عراقی مسلح به موشک‌های آگروسه ضد کشتی بود.<sup>(۶۹)</sup> در پاسخ به این حملات، ایران با حمله به نفتکش‌های متعلق به کشورهای حامی عراق در خلیج فارس در صدد پاسخ‌گویی برآمد با این امید که دولت‌هایی چون عربستان و کویت از حمایت عراق دست بردارند.<sup>(۷۰)</sup>

در اوایل سال ۱۹۸۴، یک اسکادران از فانتوم‌های F-4 داگلاس مک دانل از پایگاه هوایی وحدت به فرودگاه بندرعباس منتقل شد و در زمینه حملات دریایی مجدداً آموزش دید. نیروی دریایی ایران،

در تهران صادر شد.<sup>(۳۰)</sup>

همکاری بین نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه بسیار تنگاتنگ بود. نیروی دریایی سپاه معمولاً با عملیات ویژه و حملات سبک خود به عنوان بخش تکمیل کننده ساختار متعارف نیروی دریایی ارتش عمل می کرد.<sup>(۳۱)</sup>

نیروی دریایی سپاه که بهتر از نیروی دریایی ارتش پی ریزی شده بود، در طول جنگ نیز از تجهیزات بهتر و آموزش مشاوران خارجی برخوردار بود. این امکانات به همراه جسارت بیشتر نیروهای سپاه به سرعت باعث افزایش سهم این نیرو در عملیات های دریایی ایران شد. نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش ایران در ادامه همکاری های نزدیک خود، بعد از جنگ ایران و عراق، تقریباً تمامی پست های عالی فرماندهی، آموزشی و لجستیکی خود را ادغام کردند. ( برای مثال، علی شمخانی که از فرماندهان نیروی دریایی سپاه بود، در دسامبر ۱۹۸۹ با حفظ سمت خود به فرماندهی کل نیروی دریایی ایران منسوب شد).<sup>(۳۲)</sup>

حمله ایران به نفت کش ها رفته رفته بسیار گزینشی و محدود به کشتی های عراقی شده بود. اما در ۵ جولای ۱۹۸۴، ایران با حمله به نفت کش "پرایم رز" که حامل نفت خام عربستان سعودی بود، دامنه جنگ نفت کش ها را گسترش داد. در ادامه همان ماه، ایران ۱۳ فروند کشتی دیگر را نیز مورد هدف قرار داد و گستره حملات خود را از خلیج فارس تا تنگه هرمز کشاند. کشتی گاز فانتین<sup>۳۳</sup> که حامل گاز مایع بود و کشتی اسکورت "پاسیفیک پروتکتور"<sup>۳۴</sup> (تحت پرچم پاناما) در ۱۲ و ۱۹ اکتبر توسط هواپیماهای جنگنده مورد هدف قرار گرفتند. میزان خرابی این دو کشتی در اثر آتش به حدی بود که غیر قابل بازسازی و تعمیر بودند و مالکان شان آنها را اوراق کردند.<sup>(۳۵)</sup> حمله به کشتی "پاسیفیک پروتکتور" بیشترین تلفات جانی را در پی داشت. طبق گزارشات، دو نفر کشته و ۱۱ نفر مفقود شدند. اما در

جزئی بود و هیچگونه تلفات جانی هم نداشت. در اثر این حملات، موشک های ماوریک قابل استفاده ایران به زودی تمام شد و از اواسط ۱۹۸۴، هواپیماهای F-4 ایران مجبور شدند از موشک های ۵۷ میلی متری هوا به زمین ساخت چین استفاده کنند.<sup>(۳۶)</sup>

نیروی دریایی ایران گاهی به دلیل نواقص و ناکارآمدی های هواپیماهای P-3F نیروی هوایی که در جزیره لاوان مستقر بودند، عملیات های خود را قطع می کرد. کمبود قطعات و امکانات لازم برای نگهداری هواپیماها

باعث می شد که تعداد پروازهای هواپیماهای گشتی روزانه از دو مورد بیشتر نباشد. این امر نیروی هوایی را بر آن می داشت که کمبود هواپیماهای P-3 را با هواپیماهای هرکول C-130E/H از اسکادران حمل و نقل شیراز جبران کنند.<sup>(۳۷)</sup> پردازش

غیراتوماتیک داده ها و

اتکا به هواپیماهای نامطمئن، نیروی دریایی و همچنین سپاه پاسداران را بر آن داشت که از دولت بخواهند به تهیه سیستم لازم برای استقرار موشک های ضد کشتی کروز اقدام کند. در اواسط سال ۱۹۸۴، دولت ایران به نیروی دریایی اختیار داد مذاکرات لازم را برای خرید سیستم موشک های کروز کرم ابریشم را که غالباً توسط چین ساخته می شد، انجام دهد. اگرچه نیروی دریایی سپاه پاسداران و نیروی دریایی ارتش هر دو در زمینه این سفارش فعال بودند، اما سفارش خرید موشک های کرم ابریشم از سوی فرماندهان نیروی دریایی ارتش

در سال ۱۹۸۴، عراق متوجه شد ابتکار عمل در جنگ زمینی را از دست داده و تصمیم گرفت توجه خود را بر قدرت هوایی متمرکز نماید

1. Primerose

2. Gaz Fountain

3. Pacific Protector



به تدریج که از ذخیره موشک‌های سی کیلر کاسته شد، ناوچه‌های ایرانی به نبردهای نزدیک‌تر با استفاده از توپ روی آوردند. این حملات معمولاً در تاریکی شب و در قسمت جنوبی خلیج فارس صورت می‌گرفت. حمله علیه کشتی‌ها با استفاده از اطلاعات فراهم شده از ستاد فرماندهی در بندرعباس، در منتهی‌الیه شمالی تنگه هرمز یا در منطقه ساحلی در مجاورت آب‌های سرزمینی ایران انجام می‌شد.<sup>(۳۷)</sup>

ایران در اوایل سال ۱۹۸۷، برای افزایش کارآمدی حملات خود علیه نفت‌کش‌ها به کاشت مین روی آورد. طراحی مین‌های ایران، عمدتاً بر اساس مین‌های تماسی M-08 vintage روسی که در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار می‌گرفت، انجام می‌شد. نیروی دریایی ایران مین‌ها را در دریای عمان، آب‌های شمالی امارات متحده عربی و

**جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس، بازتابی از استراتژی دریایی ایران یعنی همان استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس می‌باشد**

آبراه‌های نزدیک قطر کار می‌گذاشت. این سلاح ایران ریسک حمل و نقل نفت در خلیج فارس را به شدت افزایش داد که از اهداف اولیه استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس بود. به همین دلیل نرخ بیمه کشتی‌ها از ۰/۲۵ به ۷/۵ درصد از ارزش بار کشتی افزایش یافت که تأثیر منفی بسیار زیادی بر کشتیرانی در خلیج فارس داشت. ایران با صرف کمترین هزینه و کار گذاشتن کمتر از ۲۰۰ عدد مین دارای فن آوری پایین، توانست در راستای استراتژی ممانعت، ابتکار عمل را در خلیج فارس به دست بگیرد.<sup>(۳۸)</sup>

کل، حملات ایران به کشتی‌ها تلفات چندانی به دنبال نداشت و در سراسر آن سال فقط ۲۳ نفر کشته گزارش شد.<sup>(۳۹)</sup>

هوایماهای بال ثابت نیروی هوایی ایران در طول سال ۱۹۸۵ نیز به حملات خود ادامه دادند که در ۳۱ جولای ۱۹۸۵ به ۱۲ مورد رسید. اما علیرغم انتقال اسکادران دوم فانتوم به بندرعباس در ژوئن ۱۹۸۵، حملات نیروی هوایی ایران در دریا کاهش یافت و در نیمه دوم سال به چهار مورد رسید. کمبود شدید قطعات یدکی هوایماهای F-4، ایران را در انجام عملیات با مشکلات جدی مواجه کرد. بعلاوه، نیروی زمینی ایران هم که درگیر حملات زمینی بود، به پشتیبانی نیروی هوایی نیاز مبرم داشت.<sup>(۴۰)</sup>

تاکتیک حملات دریایی ایران در جولای ۱۹۸۵ تغییر کرد. آنها از هلیکوپترهای آمریکایی کبری UH-1A برای حمله به کشتی‌ها استفاده کردند. هلیکوپترها که از سکوی نفتی رشادت و جزیره ابوموسی در قسمت جنوبی خلیج فارس بعنوان پایگاه عملیات‌های خود استفاده می‌کردند، در سال ۱۹۸۶ تعداد حملات خود را، در مقایسه با ۱۶ مورد حمله هوایماهای بال ثابت، به ۲۱ مورد افزایش دادند. اما افزایش عملیات‌های زمینی ایران و نیاز نیروهای زمینی به پشتیبانی نیروی هوایی باعث شد که توجه بالگردهای ایران به جنگ زمینی متمرکز شود.<sup>(۴۱)</sup>

در پاییز سال ۱۹۸۶، کشتی‌های ایران وارد جنگ نفت‌کش‌ها شدند که دامنه آن روز به روز گسترش می‌یافت. نیروی دریایی ایران در اوایل سپتامبر، اولین حمله خود را علیه نفت‌کش ال فونتاس انجام داد که حامل پرچم کویت بود و تا پایان سال به سه فروند کشتی دیگر نیز حمله کرد. بیشتر حملات ایران از فاصله نزدیک (در محدوده ۱۰ مایل دریایی) با ناوچه‌های کلاس سام و موشک‌های کوچک سی کیلر ضد کشتی ساخت انگلستان انجام می‌شد.



اولین کشتی در ۵ ژانویه با یک مین ایرانی برخورد کرد. تا پایان سال، نه فروند کشتی دیگر نیز به این مین‌ها اصابت کردند. نیروی دریایی آمریکا تا اواسط ژوئن ۱۹۸۷، در تلاش بود تا مین‌های M-08 ایرانی موجود در عمق آبراه‌های منتهی به پایانه "مینا احمدی" کویت را خنثی کند. این اقدام به شکل‌گیری یک عملیات عمده مین‌روبی منجر شد و موثر بودن

مین‌های قدیمی اما کارآمد ایران را در اجرای استراتژی ممانعت نشان داد. بیشتر از یک ماه طول کشید تا مین‌روب‌های آمریکا و عربستان تنها کانال منتهی به بزرگترین پایانه نفتی کویت را مین‌روبی کنند.<sup>(۳۹)</sup>

کارآمدی مین‌های ایران که توسط قایق‌های تندرو و سپاه مستقر در جزیره ابوموسی یا توسط نیروی دریایی ارتش ایران کار گذاشته می‌شد، تا حد زیادی به مهارت افراد دست‌اندرکار بستگی داشت. بسیاری از مین‌ها به خاطر آموزش‌های ناکافی و سرعت بالای افرادی که آنها را کار می‌گذاشتند، عمل نمی‌کردند و غرق می‌شدند. بعضی دیگر از مین‌ها نیز بر روی آب شناور می‌شدند که خطر بزرگی برای کشتیرانی به وجود می‌آوردند که این امر نقض قوانین بین‌المللی نیز محسوب می‌شد. این نواقص فنی و پیامدهای آن، ایران را در معرض اقدامات تلافی‌جویانه از سوی آمریکا قرار می‌داد. در آوریل ۱۹۸۷، نیروی دریایی ایران با ادعای افزایش امنیت آبراه تنگه هرمز برای کشتیرانی<sup>۴۰</sup> دست به مین‌روبی این تنگه زد. ایران از اشتباهات خود در زمینه مین‌گذاری درس گرفت و در ماه‌های

بعد، مسئولیت مین‌گذاری را فقط به نیروی دریایی ارتش و تعداد محدودی از قایق‌های Boghammer نیروی دریایی سپاه که پایگاهشان در جزیره ابوموسی بود، سپرد.<sup>(۳۰)</sup>

ایران پس از مین‌گذاری‌های گسترده، به ایجاد پایگاه‌های مستحکمی برای استقرار موشک‌های کروز ضد کشتی کرم ابریشم HY-2 ساخت چین در طول تنگه هرمز، اقدام کرد. قبل از آن نیز موشک‌های کرم ابریشم Styx SSN-2AIB (دارای سوخت هیدروژن مایع) ساخت شوروی را که از سکوها عراقی در شمال خلیج فارس به غنیمت گرفته بود، علیه پایانه نفتی کویت استفاده کرده بود. اگرچه توسل به موشک علیه کشتی‌های جنگی مدرن مجهز به امکانات تدافعی الکترونیکی و سپر چف<sup>۴۱</sup> کارآیی چندانی ندارد، اما کلاهک موشک‌های کرم ابریشم با وزن ۱۰۰۰ پوندی خود، سه برابر بزرگ‌تر از موشک‌های اگزوسه هستند.<sup>(۳۱)</sup>

تا پایان آوریل ۱۹۸۷، ایران دو پایگاه عمده، چندین سکوی پرتاب، دست کم چهل و هشت موشک کرم ابریشم و سه سیستم رادار جستجوگر متحرک را برای خود فراهم کرده بود. سایت‌های

1. Hhaff Decoys

جریان نفت در خلیج فارس آگاه شده بودند. نیروهای دریایی غربی به سرعت روانه خلیج فارس شدند. ناو هواپیمابر فرانسوی Clemenceau در ماه آگوست به دریای عرب رسید و به صورت غیررسمی در آموزش حملات هوایی با نیروی دریایی آمریکا همراهی کرد.<sup>(۳۳)</sup>

ایران که از استراتژی ممانعت خود نهایت استفاده را می‌کرد، حملات خود به کشتی‌های کویتی را افزایش داد. کویت که از تهدیدات روزافزون ایران واهمه داشت و از متحد غیرقابل

اعتماد خود، عراق، ناامید بود، از آمریکا و شوروی درخواست کرد از صادرات نفتی این کشور حمایت کنند. شوروی که در پی فرصتی برای افزایش نفوذ خود در خلیج فارس بود، بلافاصله پاسخ مثبت خود را اعلام کرد. دو کشور فوراً قراردادی را برای کرایه سه فروند نفت‌کش شوروی

### استراتژی اصلی عراق حمله به مناطق استراتژیک ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود

امضا کردند. آمریکا هم که از افزایش حضور و نفوذ شوروی در قلب منطقه تأمین کننده نفت غرب نگران بود، در موضع قبلی و اکراه خود از درگیری بیشتر بازنگری کرد و موافقت نمود که ۱۱ فروند نفت‌کش کویتی را تحت پرچم خود درآورد و آنها را از حمایت نیروی دریایی آمریکا برخوردار سازد.<sup>(۳۴)</sup> آمریکا و شوروی از خطر ناآرامی‌های خلیج فارس برای نیروهای دریایی بی‌طرف و کشتی‌های غیرنظامی، به خوبی آگاه بودند. در ۱۶ ماه می، یک فروند کشتی باری غیرنظامی شوروی توسط قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه مورد هدف قرار

تدارک دیده شده شامل یک سکوی مستحکم برای پرتاب کننده موشک و یک جعبه کابل برای دریافت اطلاعات از رادار بود. اغلب سایت‌ها برای مقابله با عکسبرداری‌ها و حملات هوایی و دریایی احتمالی استتار شده بودند. در اواخر ماه می، با گسترش تنش بین ایران و آمریکا، ایران یکی از سکوه‌های پرتاب موشک خود را از جزیره قشم در تنگه هرمز به چتر موشکی هاوک<sup>۱</sup> خود در پایگاه دریایی بندرعباس منتقل کرد. سکوی دیگر به سمت شرق به سایت کوهستک<sup>۱</sup> منتقل شد.<sup>(۳۵)</sup>

تجهیزات پرتاب موشک در پایگاه هاوک نیروی دریایی ایران در بندرعباس از نوع پیشرفته هاوک (Hawk-1) بود که سال قبل به عنوان بخشی از ماجرای ایران کنترا<sup>۱</sup>، از آمریکا دریافت کرده بود. در کل، آمریکا بین نوامبر ۱۹۸۵ تا جولای ۱۹۸۶، بیش از هشت موشک و قطعات لازم برای ارتقاء رادارها را به ایران ارسال کرد. نکته طنزآمیز این است که آخرین محموله تجهیزات ارتقاء رادارهای Hawk-1 به مقصد بندرعباس در همان هواپیمایی حمل می‌شد که رابرت مک‌فارلین، مشاور امنیت ملی آمریکا، به قصد دیدار مخفیانه از ایران در آن نشسته بود. تمام این ماجراها درست در زمانی روی می‌داد که نیروی دریایی آمریکا، بی‌خبر از همه جا، در تدارک حمله هوایی به پایگاه دریایی بندرعباس که آن را بی‌دفاع می‌دانست، بود.<sup>(۳۶)</sup>

ایران مطمئن بود که اگر به پرتاب موشک از سایت‌های خود در تنگه هرمز اقدام کند، با واکنش تلافی‌جویانه آمریکا مواجه خواهد شد. اما صرف مالکیت موشک‌های کرم ابریشم توسط ایران هم کافی بود که واکنش آمریکا و قدرت‌های بزرگ دیگر را به دنبال داشته باشد. ایران رفته رفته به ارزش استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس پی می‌برد.

تا اواخر جولای ۱۹۸۷، آمریکا، ژاپن و سایر قدرت‌های غربی به تهدیدات روزافزون پیش روی

1. Hawk

2. Kuestak

3. Iran-Contra

نزدیکی جزیره فارسی به عمل آوردند. اوج این تهدیدات حمله مشترک آنها به نفت کش‌های پرچم‌گذاری شده در سوم اکتبر بود که ایران آنها را تحت اسکورِت "دشمن" می‌نامید.<sup>(۳۹)</sup>

در ۱۴ اکتبر، ایران یک فروند موشک کرم ابریشم را از شبه جزیره فاو به سمت جنوب غرب به سوی پایانه نفتی "الشعبیه" در سواحل بندر "الاحمدی" کویت پرتاب کرد که به نفت کش تازه از راه رسیده سونگاری<sup>۱</sup> اصابت کرد. این نفت کش در مالکیت آمریکا اما تحت پرچم لیبریا بود. دو روز بعد، دو فروند موشک کرم ابریشم از شبه جزیره فاو به سوی نفت کش "سی ایل سیتی"<sup>۲</sup> که حامل پرچم آمریکا بود، پرتاب شد. در اثر این حمله ساختار این نفت کش ۸۱۲۸۳ تنی آسیب بسیار جدی دید و ۱۰ نفر از خدمه آن زخمی شدند. کاپیتان "جان هانت" با ملیت آمریکایی از جمله آسیب دیدگان بود که بینایی خود را از دست داد. اگرچه دولت کویت به شدت آمریکا را به حمله به سایت موشک‌های کرم ابریشم ایران در شبه جزیره فاو ترغیب می‌کرد، اما آمریکا برای تلافی حملات ایران، سکوهای نفتی "رستم" (یا همان رشادت) در جنوب خلیج فارس را منهدم کرد. مقامات کویت در مورد اعتبار وعده‌های آمریکا برای اجرای حملات تلافی جویانه علیه سایت‌های موشک‌های کرم ابریشم ایران ابراز تردید می‌کردند. ایران با اولین حملات خود علیه نفت کش‌های کویتی پرچم‌گذاری شده، تقریباً توانست ائتلاف نوپای آمریکا-کویت را متزلزل سازد. موشک‌های کرم ابریشم به ایران برای اجرای استراتژی ممانعت خود کمک بسیاری کرد.<sup>(۴۰)</sup>

انهدام سکوی نفتی "رستم" (که تولید نفت در آن از دو سال قبل متوقف شده بود)، توسط نیروی دریایی آمریکا، موجب تعجب مقامات ایرانی شد. این حمله که با فریب نیروهای ایرانی و بدون هیچ‌گونه مقاومتی انجام شد، سایت راداری را که نیروی دریایی سپاه در حملات مشترک خود با

گرفت و در بعد از ظهر همان روز، یک فروند نفت کش این کشور که در اجاره کویت بود، در حال عبور از آب‌های کویت، به یک مین، برخورد کرد. روز بعد نیز اصابت یک فروند موشک آگروسه به ناو آمریکایی<sup>۱</sup> که به اشتباه توسط یک خلبان عراقی شلیک شد، جان ۴۰ ملوان آمریکایی را گرفت.<sup>(۳۶)</sup>

مین‌های ایران هرچند که ارزان قیمت بودند، اما در قدرت نقش مهمی را ایفا می‌کردند. بعلاوه، تجهیزات مدرن مین‌یابی نیروی دریایی شوروی و غرب هم در برابر تهدید این مین‌های قدیمی ناتوان می‌ماندند. در عرض

چند هفته، نیروی دریایی چند کشور غربی به همراه چندین فروند کشتی به نیروی مین‌یابی کوچکی که فقط از آمریکا و شورای همکاری‌های خلیج فارس تشکیل شده بود، پیوستند.<sup>(۳۷)</sup> در شب ۲۱ سپتامبر، نیروی دریایی آمریکا به کشتی مین‌گذار ایران "اجر" حمله کرد و آنرا به

تسخیر خود درآورد. به این ترتیب از حجم عملیات‌های مین‌گذاری ایران کاسته شد.<sup>(۳۸)</sup>

ماه بعد، قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه که به سوی یک فروند نفت کش حامل پرچم آمریکا آتش گشوده بودند، توسط هلیکوپترهای جنگنده آمریکایی Kiowa مورد هدف قرار گرفتند. بعد از آنکه سه فروند از این قایق‌ها غرق شدند و چهار فروند دیگر به تصرف نیروهای آمریکایی درآمدند، ایران در صدد یک "پاسخ دندان‌شکن" به حمله آمریکا برآمد. نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش ایران به پشتیبانی یکدیگر اقداماتی را در

آمریکا پس از درخواست کویت، موافقت کرد ۱۱ فروند نفت کش کویتی را تحت پرچم خود درآورد

1. Stark

2. Sungari

3. Sea Isle City

سپاه سکوی ساسان را بازسازی کرد و از آن به عنوان سکوی تهاجمی خود در جنوب خلیج فارس استفاده کرد. این حملات موجب بروز درگیری‌هایی بین نیروهای آمریکایی و کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی شد که نه ساعت طول کشید. در سکوی نفتی ساسان، اندکی بعد از ساعت ۱۰ صبح ۱۸ آوریل، گلوله باران توپ‌ها شروع شد. کشتی‌های آمریکایی سکوی اصلی را ساعت‌ها به توپ بستند. ملوانان آمریکایی از کشتی جنگی ترنتون<sup>۱</sup>، سکوی ثانویه را شناسایی و آنرا با مواد منفجره منهدم کردند.<sup>(۳۳)</sup>

کشتی آمریکایی وین‌رایت<sup>۲</sup> نبرد سه فروند کشتی علیه جزیره سیری را هدایت می‌کرد. در این حمله، فرماندهی ناوگان یکم دریایی ایران دستور شلیک موشک از ناچه "جوشن" را صادر کرد. این ناوچه به سرعت در جزیره سیری مستقر

مالکیت موشک‌های کرم  
ابریشم توسط ایران، کافی بود  
که واکنش آمریکا و  
قدرت‌های بزرگ دیگر را  
به دنبال داشته باشد

شد و آخرین موشک کروز ضد کشتی هارپون ساخت آمریکا را پرتاب کرد. کشتی جنگی وین‌رایت، توانست موشک پرتاب شده را با استفاده از سیستم موشکی زمین به هوای مافوق صوت خود دفع کند. سیستم ردیاب موشک هارپون (که از سال ۱۹۷۹ مورد رسیدگی و تعمیر قرار نگرفته بود)، یک مایل مانده به هدف تعیین شده از کار باز ماند. کلاهیک ۵۰۰ پوندی این موشک توانست به کشتی اصابت کند و در فاصله‌ای کمتر از ۱۰۰ پایی آن سقوط کرد. کلاهیک کوچک ۶۵ پوندی موشک SM-2ER پرتاب شده از کشتی یادشده به همراه دو

نیروی دریایی ارتش به آن متکی بود، از بین برد. انهدام چنین مرکز مهمی از حجم حمله علیه نفت‌کش‌ها کاست و باعث شد که نقش نیروی دریایی ارتش ایران که به رادارهای سنتی سوار بر کشتی‌ها و سیستم‌های C۲ مجهز بود، در حمله به نفت‌کش‌ها در جنوب خلیج فارس پررنگ‌تر شود.<sup>(۳۴)</sup>

با انهدام سکوی نفتی رستم و آغاز زمستان و کمبود دوره‌ای قطعات یدکی لازم برای نیروی دریایی، از شدت جنگ نفت‌کش‌ها کاسته شد و ایران توجه خود را به جنگ زمینی معطوف نمود. تا پایان سال ۱۹۸۷، نیروی دریایی ارتش و سپاه ایران، جمعاً به ۸۷ فروند کشتی حمله کرده بودند که دو برابر سال ۱۹۸۶ بود.<sup>(۳۵)</sup>

با گرم‌تر شدن هوا در بهار ۱۹۸۸، ایران مرحله جدیدی از مین‌گذاری‌ها را آغاز کرد. در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸، کشتی آمریکایی ساموئل.بی. رابرتز<sup>۳</sup> اولین قربانی این مین‌گذاری‌ها بود. این مین که حاوی ۲۵۸ پوند تی‌ان‌تی بود، حفره‌ای به قطر نه فوت در ته کشتی ۳۷۰۰ تنی ایجاد کرد و تقریباً آنرا به قعر دریا فرستاد. بیش از بیست نفر در این حمله زخمی شدند. ده نفر از آنها که به شدت سوخته بودند، توسط هلی‌کوپتر به بحرین منتقل شدند. نیروی دریایی آمریکا و کشورهای غربی به سرعت به دنبال مین‌های احتمالی دیگر بودند.<sup>(۳۶)</sup> ایران در بررسی سود و هزینه عملیات مین‌گذاری کفه سود را سنگین‌تر می‌دید.

### "نبرد ناوچه‌ها" ۱۸ آوریل ۱۹۸۸

واکنش تلافی‌جویانه آمریکا در خصوص کشتی جنگی ساموئل رابرتز برای ایران بسیار غافلگیرکننده و غیرمنتظره بود. چهار روز بعد، آمریکا با حمله به سکوه‌های نفتی ساسان (که سلمان هم نامیده می‌شود) و جزیره سیری درصدد تلافی برآمد. بعد از نابودی سکوی رستم، نیروی دریایی

1. Samuel B. Roberts

2. Trenton

3. Wainwright

در درگیری‌های جزیره سیری، تهران ناوچه‌های "سهند" و "سبلان" را طی یک مأموریت اضطراری، از بندرعباس راهی منطقه کرد. این ناوچه‌ها که دستور انجام حملات تلافی جویانه را داشتند، با سرعت تمام به سوی غرب تنگه هرمز، که مجموعه‌ای از کشتی‌های جنگی آمریکا در آنجا در حال گشت بودند، حرکت کردند. با نزدیک شدن این دو ناوچه ایرانی، فرمانده عملیات مشترک آمریکا در خاورمیانه طرح‌هایی را برای حمله به سومین سکوی نفتی ایران، رخس، اعلام کرد و همچنین آماده درگیری اساسی با ناوچه‌های "سهند" و "سبلان" شد. اندکی پس از ۳ بعد از ظهر، ناوچه "سهند" در ۱۰ مایلی جزیره لارک بود و می‌توانست کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا را با استفاده از موشک‌های کروز سی کیلر مورد حمله قرار دهد. ساعت ۳:۵۹ بعد از ظهر، یک کشتی جنگی آمریکایی طی یک اخطار رادیویی به هر دو زبان فارسی و انگلیسی، به ناوچه "سهند" اعلام کرد در صورت عدم خروج فوری از منطقه با آتش سنگینی مواجه خواهد شد. فرمانده "سهند" چند دقیقه بعد با به کار انداختن توپ ۷۶ میلیمتری خود به این اخطار پاسخ داد. هواپیماهای A-6 آمریکا بلافاصله به این ناوچه حمله کردند و آن را با یک فروند موشک کروز هارپون مورد هدف قرار دادند و چند دقیقه بعد با استفاده از بمب، آنرا منفجر کردند. علاوه بر این، کشتی آمریکایی Strauss نیز دومین موشک هارپون را به سوی این ناوچه نشانه رفت. ناوچه "سهند" در حالیکه در شعله‌های آتش می‌سوخت و ساختار اساسی اش آسیب دیده بود، منطقه را ترک کرد و نیروهای آن با به آب انداختن قایق‌های نجات از کشتی خارج شدند.<sup>(۴۷)</sup> تقریباً دو ساعت بعد، یک فروند A-6 دیگر، پس از مواجهه با آتش، یک بمب هدایت شونده با لیزر را به سوی ناوچه "سبلان" پرتاب کرد. این بمب ۱۰۰۰ پوندی به موتورخانه این ناوچه برخورد کرد و آنرا غرق

فروند موشک SM-2 دیگر که از کشتی اسکورت سیمپسون پرتاب شده بودند، در فاصله‌ای بیش از ۲۰۰۰ گره دریایی به کشتی "جوشن" اصابت کرد و موجب شد که این کشتی بلافاصله آتش بگیرد و پس از انفجارهای پی در پی در عرض ۵ دقیقه غرق شود. بیست دقیقه بعد، دو فروند از هواپیماهای F-4 نیروی هوایی ایران در حالیکه در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند، با پرتاب دو فروند موشک ماوریک در صدد حمله برآمدند. این دو هواپیما که یکی از آنها در اثر اصابت موشک آسیب جزئی دیده بود، به دنبال عدم موفقیت‌شان در حمله به اهداف مورد نظر، به بندرعباس برگشتند.<sup>(۴۵)</sup> کمتر از سی دقیقه بعد از نبرد در سکوی ساسان، ایران به سوی سکوی نفتی Scan Bay در میدان نفتی مبارک که مالک اصلی آن کشور پاناما بود ولی توسط آمریکا مورد استفاده قرار می‌گرفت و حدود سی مایل دریایی با غرب ابوظبی فاصله داشت، آتش گشود. قایق‌های تندرو Boghammar سپاه و دو فروند هلی کوپتر AB-2<sup>۴۸</sup> نیروی هوایی ایران با استفاده از آتش سنگین توپخانه و راکت‌های ضد تانک، حمله مشترکی را ترتیب دادند. هنگام سپیده دم تقریباً یک ساعت پس از آغاز حمله، ناو هواپیما بر آمریکایی اینترپرایز<sup>۲</sup> در صدد پاسخ برآمد و با سه فروند قایق تندرو درگیر شد که یکی از آنها را غرق و دیگری را از کار انداخت. در این بین، سکوی نفتی Scan Bay و شانزده تبعه آمریکایی مستقر در آن آسیب‌های سطحی دیدند.<sup>(۴۶)</sup>

مین‌های ایران هر چند که ارزان قیمت بودند، اما در منازعه دریایی خلیج فارس نقش مهمی را ایفا می‌کردند

1. Simpson

2. Enterprise

اقداماتی را به عمل آورد. در ۳۰ آوریل، وزیر دفاع آمریکا، فرانک کارلوسی، اعلام کرد: «ریگان شخصا برنامه گسترش چتر حمایت نیروی دریایی آمریکا از نفتکش‌ها را هدایت می‌کند.» تعهدات جدید آمریکا شامل حمایت از کشتی‌های تجاری بی طرف غیر کمونیست، در صورت تمایل آنها، می‌شد.<sup>(۵۱)</sup>

در پایان جنگ ایران با حملات آبی-خاکی عراق

در جزایر مجنون مواجه شد. در نتیجه ایران واحدهای عملیاتی باقیمانده نیروی دریایی و قایق‌های تندرو سپاه را به سمت شمال فرستاد تا حمله عراق را خنثی سازند. اقدام تهاجمی عراق با استفاده از سلاح‌های شیمیایی در گسترده‌ترین حد خود بعد از جنگ جهانی اول همراه بود. هزاران گلوله توپ که با گاز اعصاب سارین و سیانید پر شده بود، بر روی جبهه‌های ایران فرو ریخت. چتربازان عراقی حاشیه شرقی جزایر مجنون را محاصره کردند و گارد ریاست جمهوری نیز از روبرو با استفاده از هاورکرافت<sup>۲</sup> حمله کرد. نیروهای ایران با نهایت توان می‌جنگیدند. آنها که در هوای بسیار گرم تابستان خلیج فارس لباس‌های سنگین ضد شیمیایی به تن داشتند با مشکلات بسیار زیادی مواجه بودند. در این عملیات، عراق ۶۰۰ قبضه توپ و ۲۰۰۰ تانک را برای پشتیبانی از حمله اصلی خود تدارک دیده بود.<sup>(۵۲)</sup>

در اواخر ژوئن ۱۹۸۸، شورای عالی جنگ در ایران دستور عقب‌نشینی‌های عمده‌ای را در جنگ زمینی صادر کرد و بر حصول اهداف دست‌یافتنی‌تر متمرکز شد. در ادامه، کشتی‌های هرکولس<sup>۳</sup> و تاون‌سند<sup>۴</sup> که در



کرد.<sup>(۴۸)</sup>

### پایان جنگ ایران و عراق

در نتیجه تبرد ناوچه‌ها<sup>۱</sup> که اولین رویارویی مستقیم ایران با نیروی دریایی آمریکا بود، نیمی از کشتی‌های جنگی عمده ایران از کار افتادند. این مشکلات و آسیب‌ها با بازپس‌گیری شبه جزیره فاو توسط نیروهای عراقی هم‌زمان شد. این جزیره بیش از دو سال در تصرف نیروهای ایران بود.<sup>(۴۹)</sup> رئیس جمهور وقت ایران، [آیت‌الله] خامنه‌ای، اعلام کرد: «ما به منافع آمریکا در سراسر جهان حمله خواهیم کرد زیرا این کشور تهاجم همه‌جانبه‌ای را علیه ایران آغاز کرده است.» رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی، نیز خواستار حضور داوطلبانه مردم در جبهه‌ها برای نابودی عراق شد و اعلام کرد: «قدرت‌های متخاصم ضداسلامی تصمیم گرفته‌اند نهایت تلاش خود را برای نجات صدام حسین به عمل بیاورند و دست‌ان ما را ببندند.»<sup>(۵۰)</sup>

در ۲۴ آوریل ۱۹۸۸ قایق‌های تندرو سپاه به یک فروند نفت‌کش سعودی که در سواحل دبی پهلو گرفته بود، حمله کردند. واشنگتن نیز به نوبه خود،

1. Frank Carlucci

2. Hovercraft

3. Hercules

4. Townsend

مشخص شد. بر روی صفحه رادار بسیار دقیق SPY-1 رزم‌ناو وینسنس هواپیمای دیده می‌شد که مستقیماً به سوی آن پیش می‌رفت، اگرچه در حال اوج گرفتن بود. فرمانده رزم‌ناو تا آخرین لحظات منتظر برقراری ارتباط از سوی هواپیمای ناشناس شد. هواپیمای ایرباس کم کم از تیررس استاندارد موشک‌های SAM-2 خارج می‌شد. رزم‌ناو یاد شده با پرتاب اولین موشک، هواپیمای مسافربری را ساقط کرد. ترکیبی از آموزش ضعیف و اجرای بی‌چون و چرای دستورات کاپیتان باعث این سقوط شد.<sup>(۵۴)</sup> بعد از گذشت چند دقیقه، اشتباه فاحش رزم‌ناو مشخص شد.<sup>(۵۴)</sup>

با سقوط هواپیمای ایرباس، [امام] خمینی (ره) به هاشمی رفسنجانی دستور داد پاسخ دیپلماتیکی به این حمله بدهد.<sup>(۵۵)</sup>

در این مرحله، عراق که به تازگی به موشک‌های دوربرد اسکاد<sup>۲</sup> مجهز شده بود، "جنگ شهرها" را از سر گرفت. برای اولین بار تهران مستقیماً مورد هدف قرار گرفت و شهر دچار آشفستگی و بی‌نظمی شدیدی شد. این در شرایطی بود که ایران از موشک کافی برای تلافی حملات عراق برخوردار نبود. علاوه بر این، ایران به خاطر خودداری از پذیرش قطعنامه آتش‌بس سازمان ملل، با دور جدیدی از تحریم‌های این سازمان مواجه بود.<sup>(۵۶)</sup>

در روز ۵ جولای، ایران خواستار نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شد تا به موضوع حادثه هواپیمای ایرباس و همچنین استفاده سازمان ملل در ۸ می ۱۹۸۸، استفاده گسترده و فزاینده سلاح‌های شیمیایی توسط عراق را طی قطعنامه ۶۱۲ خود رسماً تأیید کرد. درخواست

آب‌های کویت و امارات پهلو گرفته بودند، هدف قرار گرفت. قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه از جزیره ابوموسی عازم رویارویی جدیدی با آمریکا شدند. سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا مطلع شدند که ایران در نظر دارد روز ۴ جولای عملیات نمادینی را علیه نیروهای آمریکایی اجرا کند. فضای خلیج فارس مالا مال از حس انتقام جویی بود.

روز ۳ جولای، قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه به سوی یک فروند بالگرد گشت که از کشتی آمریکایی المرمونت گومری<sup>۱</sup> برخاسته بود، آتش گشودند. نزدیک‌ترین کشتی جنگی آمریکایی رزم‌ناو وینسنس<sup>۲</sup> بود که خود را

به صحنه منازعه رساند و با قایق‌های تندرو ایران درگیر شد. در این اوضاع و احوال، گزارشی مبنی بر خروج یک فروند هواپیمای F-14 ایران از پایگاه خود در بندرعباس دریافت شد. ناو وینسنس که در صدد بود این هواپیمای جنگی را مورد هدف قرار دهد، به اشتباه به

یک فروند هواپیمای مسافربری ایرباس ایران که حامل ۳۰۰ نفر از زائران مکه بود، آتش گشود.<sup>(۵۷)</sup> فرمانده رزم‌ناو وینسنس، کاپیتان ویل راجرز، که در حال رویارویی با قایق‌های تندرو نیروی دریایی سپاه بود، گزارش‌هایی را در خصوص پرواز یک فروند هواپیمای F-14 دریافت کرد که نادرستی آن بعداً

در طول جنگ ایران-عراق، تقریباً تمام خط لوله‌های نفتی عراق از تیررس نیروی هوایی ایران در امان بود

1. Elmer Montgomery

2. Vincennes

۳. این ادعای بی‌اساسی است که دولت آمریکا برای سلب مسئولیت و غیرعمد بودن این واقعه که به شهادت ۳۰۰ نفر از هم‌وطنان بی‌گناهان منجر شد، مطرح کرد؛ درحالی‌که مدارک مستدل فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکا این اقدام غیرانسانی را عمداً برای وادار نمودن ایران به توقف جنگ انجام داده است. نویسنده با استناد به این ادعا نشان داده، همان‌طور که در کل مقاله تلاش کرده با انتساب تمام حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس به ایران، نیروهای نظامی ایران را مقصر جلوه دهد، درحالی‌که تاکنون هیچ مدرک مستدلی در اینخصوص ارائه نشده است، این مقاله را کاملاً با نگاه جانبدارانه تالیف کرده است.

4. Scud



تهدید نماید.<sup>(۶۰)</sup>

در سال ۱۹۸۷، ایران با مجهز شدن به موشک‌های کروز ضد کشتی کرم ابریشم توانست استراتژی ممانعت خود را گسترش دهد و کشتیرانی در خلیج فارس را تهدید کند. اقدامات ایران، غرب را با مخاطرات بیشتری مواجه می‌کرد و فشار زیادی بر عراق وارد می‌کرد تا از حملات خود به تاسیسات نفتی ایران بکاهد. نابودی ناوچه‌های نیروی دریایی ایران در عرض چند ساعت در آوریل ۱۹۸۸ نشان داد ایران توان رویارویی مستقیم با نیروی دریایی آمریکا را ندارد.

ایران، عملیات‌های مین‌گذاری و حمله به نفتکش‌ها را، نشانه موفقیت استراتژی ممانعت خود می‌دانست. این کشور با استفاده از هواپیماهای قدیمی، خرید مین‌های ارزان با فن‌آوری پایین، قایق‌های تندرو، آموزش ویژه نیروی دریایی سپاه و موشک‌های کروز ضد کشتی و علیرغم ناکارآمدی سلاح‌های به جا مانده از شاه، توانست، بعد از آمریکا، خود را به عنوان نیروی دریایی برتر منطقه خلیج فارس معرفی کند. ایران استراتژی نیروی دریایی خود را از کنترل خلیج فارس به استراتژی مشخص‌تر ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس تغییر داد و توانست با اتکا بر موقعیت ژئواستراتژیک خود در خلیج فارس، از مرکز ثقل استراتژیک خود دفاع کند.

ایران که به تأثیرگذاری استراتژی ممانعت خود یقین داشت، معاملات تسلیحاتی و آموزش نیروهای خود را در دهه آخر قرن بیستم بر توسعه توانمندی‌هایی که در جنگ با عراق موفقیت و کارآمدی آنها ثابت شده بود، متمرکز کرد. سخت‌افزارهای جدید ایران شامل هزاران مین عمقی مدرن، زیردریایی، قایق‌های تندرو مجهز به موشک‌های کروز ضد کشتی و هواپیماهای جنگنده در خدمت نیروی دریایی است.<sup>(۶۱)</sup>

نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران بسیار غیر عادی بود زیرا این کشور از سال ۱۹۸۰ تمام نشست‌های شورای امنیت را تحریم کرده بود و معتقد بود اساساً این شورا تعصب ضد ایرانی دارد.<sup>(۵۷)</sup>

در نهایت به دنبال تحولاتی که به وقوع پیوست، مجموعه‌ای از نخبگان نظامی، سیاسی و مذهبی ایران در دفتر ریاست جمهوری در تهران به صورت محرمانه با هم دیدار کردند تا در مورد خاتمه جنگ به بحث و گفتگو بنشینند. روز بعد، در ۱۵ جولای ۱۹۸۸، کابینه ریاست جمهوری با حضور روسای کمیته‌های مهم مجلس به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل جلسه داد تا به موضوع یاد شده بپردازد. در ۱۶ جولای، با بررسی‌های انجام شده، هاشمی رفسنجانی قطعنامه آتش‌بس را به [امام] خمینی (ره) ارائه کرد و در ۱۷ جولای ۱۹۸۸، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.<sup>(۵۷)</sup>

دو روز بعد، [امام] خمینی (ره) رسماً به مردم ایران اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ مبنی بر آتش‌بس را "در این برهه از زمان به خاطر مصلحت انقلاب و نظام" پذیرفته است. به این ترتیب، جنگی که بیش از یک میلیون نفر تلفات به همراه داشت، به پایان رسید.<sup>(۵۹)</sup>

### نتیجه‌گیری

نفت عراق، تنها منبع مبادلات خارجی این کشور، گرانی‌گاه و نقطه اتکا بغداد در طول جنگ بود. اما از بدشانسی ایران، قسمت عمده این نفت از طریق شبکه گسترده‌ای از خط لوله‌ها که به سواحل مدیترانه‌ای ترکیه ختم می‌شد، به سوی غرب روانه می‌شد. در طول جنگ ایران-عراق، تقریباً تمام خط لوله‌های نفتی عراق از تیررس نیروی هوایی ایران در امان بود. اگرچه ایران نمی‌توانست مستقیماً ارتباط عراق و غرب را تضعیف کند، اما می‌توانست با استفاده از استراتژی ممانعت از دسترسی دیگران به خلیج فارس، کشتیرانی کشورهای حامی عراق را

## یادداشت‌ها

- 1992, p158-159.
21. Ibid.
22. New Commander for Guard Corps Named," FBIS-NES-90-247 Tehran IRNA in English, 24 December 1990.
23. Hooton, Ibid, p219.
24. Ibid.
25. Hiro, Ibid, p130.
26. Ibid, p146.
27. Ibid.
28. Ibid, p129.
29. Ibid.
30. Ibid.
31. Anthony Cordesman, The Iran-Iraq War and Western Security 1984-1987, (London, UK, The Royal United Services Institute, 1987): p135- 140.
32. New York Times, 21 March 1987. p4, 24 March 1987, A-1.
33. The Iran-contra Affair: The Making of a Scandal, 1983-1988, (Washington DC, The National Security Archives, 1990), p49-63.
34. Strategic Survey 1987-1988. London, UK: The [London] International Institute for Strategic Studies. 1988, p131.
35. The Military Balance 1978-1979. London UK; The [London] Institute for Strategic Studies: 1979, p127.
36. Sharam Chubin and Charles Tip, Iran and Iraq at War, (London, UK, 1.13. Tauris & Co.LTD), 1988, p224.
37. Hiro, Ibid, p189.
38. Ibid.
39. Ibid, p190.
40. International Herald Tribune, 11 October 1987. 1; "Iranian Silkworm missile hits US-Flagged Ship in Kuwait," The Washington Post, 17 October 1987, A 16.
1. John Limbert, Iran at War with History. London ,UK: Croom Helm Ltd, 1987, p111.
2. Ibid, p11.
3. Ibid, p24.
4. Ibid.
5. Ibid, p24.
6. Ibid, p47.
7. Ibid, p49.
8. Ibid.
9. Efraim Karsh, The Iran-Iraq War: A Military Analysis, The International Institute For Strategic Studies Adelphi papers, no, 220, (Dorchester, UK: Henry Ling, 1987), p 46.
10. Ibid.
۱۱. این برآورد نویسنده است که بر تحلیل داده‌های موجود متکی است.
12. Ted Hooton, "The Tanker War in the Gulf, 1984-88," Jane's Intelligence Review, May 1992, 4, no. 5, p2 18-221.
13. Cheryl Benard and Khalilzad, The Government of God: Iran : Islamic Republic, (New York, NY: Columbia University Press, 1987, p118-1 19.. Figure 5.2.
14. Dilip Hiro, The Longest War: The Iran-Iraq Military Conflict. New York: Routledge, Chapman & Hall, Inc., 1991, p129-131.
15. John Jordan, "The Iranian Navy." Jane's Intelligence Review (May 1992): p214.
16. Hooton, Ibid, p218.
17. Ibid.
18. Hiro, Ibid, p218.
19. Ibid.
20. Tony Banks and James Bruce, "Iran Builds Its Strength." Jane's Defense Weekly, No. 5 -I February

نشینی نیروها راهی منطقه سازد و در ضمن راهنمایی‌ها و مشاوره‌های لازم را در اختیار طرفین جنگ قرار دهد و گزارش عملکرد خود را به شورای امنیت ارائه دهد.

57. Al-Kavari, Ibid, p238:

قطعه‌نامه ۶۱۲ شورای امنیت سازمان ملل براساس گزارش دبیر کل این سازمان، در ۹ می ۱۹۸۸ صادر شد. در این قطعه‌نامه آمده است:

شورای امنیت سازمان ملل با توجه به گزارش (S/۱۹۸۲۳) ۲۵ آوریل هیات اعزامی دبیر کل برای تحقیق و تفحص در خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی در منازعه ایران و عراق، در کمال ناراحتی مطمئن شد که سلاح‌های شیمیایی به طور فزاینده‌ای در این منازعه مورد استفاده قرار گرفته است و لذا:

۱. ضرورت پیگیری پایبندی به پروتکل عدم استفاده از گازهای سمی و سلاح‌های میکروبی امضا شده در ۱۷ ژوئن در ژنورا یادآور می‌شود؛  
۲. استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی در منازعه ایران و عراق را با توجه به پروتکل ژنو شدیداً محکوم می‌کند؛

۳. از هر دو طرف جنگ که پروتکل ژنو را امضا کرده‌اند، می‌خواهد از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکنند.

58. Al-Kavari, Ibid, p239:

ایران در نامه خود به دبیر کل سازمان ملل نوشت که، "... این منازعه ابعاد پیش‌بینی نشده‌ای پیدا کرده است و پای کشورهای دیگر را هم به میان کشیده است و حتی قربانیان زیادی از میان غیر نظامیان گرفته است. کشته شدن ۲۹۰ نفر انسان بی‌گناه در جریان حمله به هواپیمای ایرباس ایران توسط یک فروند کشتی جنگی آمریکا در خلیج فارس دلیل روشنی بر این گفته‌هاست...

با توجه به این اوضاع، مارسمماً اعلام می‌کنیم

41. US Destroyers Shell Iranian Oil Platform in Gulf," The Washington Post, 20 October 1987, 1.

42. Hiro, Ibid, p294.

43. "Reagan, Aids Weigh Response to damaging of Ship in Gulf," The Washington Post, 16 April 1988, 1.

44. Hiro, Ibid, p204.

45. Jane's Naval Weapon systems, August 1996, Issuc 21.

46. The Washington Post, 19 April 1988, 1.

47. Ibid.

48. The New York Times, 19 April 1988, 1.

49. The Washington Post, 19 April 1988, 1.

50. The Guardian, 20 April 1988, 1.

51. The Washington Post, 30 April 1988, 1.

52. The Times, 06 July 1988, 1.

53. Hiro, Ibid, p211.

54. AEGIS Officer Console Operator Course, S-2f-4641 Revision A (Washington DC; AEGIS Training Unit Wallops Is, 1994), 81.

55. Hiro, Ibid, p211.

56. Hamad Al-Kawari, The Decision-Making Process of the UN Security Council: The Iran-Iraq War as a Case Study. New York: State University of New York at Stony Brook, 1995, p240:

قطعه‌نامه ۵۸۸ شورای امنیت سازمان ملل در ۲۰ جولای ۱۹۸۷ صادر شد. شورای امنیت در دو بند نخست این قطعه‌نامه می‌خواهد که:

۱. ایران و عراق به عنوان اولین قدم به سوی مذاکره، هرگونه فعالیت نظامی در زمین، دریا و هوا را متوقف سازند و آتش‌بس موقتی را اجرا نمایند و بی‌درنگ، نیروهای خود را به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی فراخوانند؛

۲. دبیر کل سازمان ملل هیاتی را برای بررسی، تایید و نظارت بر آتش‌بس و عقب

